

واکاوی تأثیرات آموزه های دانشگاهی بر رویکرد طراحی معماری معاصر ایران

(بررسی تأثیرات آموزه های دروس طراحی معماری دانشگاه برفعالیت حرفه ای فارغ التحصیلان دانشکده های معماری اصفهان در دهه ۱۳۹۰)

امیررضا افخمی* : گروه معماری ، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

amirreza.afkhami@gmail.com

الهام پورمهبادیان : گروه معماری ، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

e.pourmahabadian@iaushk.ac.ir

چکیده

دانشگاه به عنوان یکی از کانونهای علم، دانش و فرهنگ که وظیفه اش تولید، تبیین و تعمیق علم، معرفت و فرهنگ است، از مهمترین مراکز تأثیرگذار در شکل گیری و رشد هر تمدنی است تا بدان حد که میتوان به جرأت ادعا کرد دانشگاهها به عنوان ستونهای برپادارنده تمدن هستند و بدون دانشگاه، هیچ تمدنی راه به جایی نخواهد برد. در یک کلام، در عصر جدید کارکرد دانشگاه تنها در آموزش، پژوهش، کارآفرینی و غیره خلاصه نمیشود، بلکه در نقش یک پایگاه معرفتی به فرهنگسازی و تمدنسازی نوین میپردازد زیرا پیشرفت تحصیلی برای دانشجویان نیز به عنوان یک شاخص مهم از تواناییهای علمی برای ورود به دنیای کار و اشتغال و مقاطع تحصیلی بالاتر، حائز اهمیت است فاصله زیاد آموزه های دانشگاهها در رشته معماری و کار حرفه ای باعث شده تا فارغ التحصیلان با روند اشتغال و حل معضلات معماری جامعه بیگانه باشند و این میتواند یکی از دلایل بی هویتی به وجود آمده در رویکرد طراحی معماری ایران باشد. اصلی ترین ترین هدف آموزش معماری تربیت افرادی مفید برای جامعه حرفه ای است یکی از اصلی ترین دغدغه های دانشکده های معماری ایران نا کار آمدی آموزش طراحی معماری و وجود فاصله عمیق میان آموزشهای دانشگاهی و بازار کار میباشد. از این رو در این پژوهش با بررسی سیستم آموزشی دانشگاهی و بلاخص دروس آموزش طراحی و با طرح سوالاتی از فعالان حوزه معماری و فارغ التحصیلان دهه نود دانشگاههای شهر اصفهان به واکاوی و بررسی فاصله میان آموزه های دانشگاه و کار حرفه ای و معضلات به وجود آمده در پی آن ارائه راهکار هایی برای حل آن بپردازد.

واژه های کلیدی: آموزش معماری ، طراحی معماری ، معماری معاصر ، دانشگاه ، کار حرفه ای

۱- مقدمه

آموزش یکی از بنیادی ترین ابزار و زمینه ها برای حفظ آگاهی ها و تداوم ارتقا کیفی و کمی دانش جامعه علمی می باشد که در تربیت نیروی کار آمد و دستیابی به اهداف جامعه نقش اصلی را ایفا میکند. (نقی زاده، ۱۳۸۷) که آموزش دانشگاهی تاثیر به سزایی در این روند دارد. تفاوت های آشکاری بین آموزش عالی در غرب و ایران وجود دارد. بر خلاف اکثر کشورهای غربی، آموزش عالی در ایران حاصل تحول طبیعی نظام آموزش سنتی نبوده، بلکه از بیرون بر فضای آموزشی تحمیل شده و با توسعه کشور هماهنگی نداشته است شکلگیری آموزش فنون به سبک غرب از ۱۲۳۰ ه.ش. در دارالفنون شروع و با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ ه.ش. یکباره وارد یک فاز جدیدی شد. (گلچین، توفیق، و خورسندی، ۱۳۹۰) آموزش معماری نیز با وجود پیچیدگی خاص و گستردگی دانشها و معارف مرتبط با آن از این روند جدا نبوده و با تأسیس دانشکده هنرهای زیبا در سال ۱۳۱۹ توسط اندره گذار و برنامه ریزی آن در قالب مدرسه هنرهای زیبای پاریس به یکباره دچار دگرگونی شده (زرگری نژاد، ۱۳۸۶) این دگرگونی باعث شد که روش ها و مراحل سنتی آموزش معماری با سیر شاگردی تا استادی که قرنها در ایران مرسوم بوده کنار گذاشته شود و طراحی ترکیب حجمی به یک باره جایگزین هنر سازماندهی فضای معماری گذشته گردد. فارغ التحصیلان معماری دانشکده هنرهای زیبا وارد بازار کار شده و بر جریان معماری مدرن در ایران در قالب طرح های معماری بر جای گذاشته خود تأثیر فراوانی گذاشته اند، و سهم عمده ای از آموزش معماری را بر عهده گرفتند (افخمی و عباسی، ۱۴۰۰). که باعث شکلگیری روند آموزش و رویکرد طراحی معماری معاصر گردیده. بر این اساس در اکثر مطالعات انجام شده به بررسی تاثیر این نسل در معماری معاصر پرداخته و در کمتر مطالعه ای تأثیرات نسل های بعدی و آموزه های آکادمیک آنها در معماری معاصر پرداخته شده لذا در این پژوهش با طرح پرسش هایی که آموزه های دانشگاهی در دروس طراحی معماری چه تأثیراتی بر طراحی معماران گذاشته؟ و این که نزدیکی آموزه های دانشگاهی و فعالیت های حرفه ای معماران تا چه حد میباشد؟ و چگونه آموزه های دانشگاهی معماری در تعیین رویکرد طراحی موثر باشد؟ به بررسی تاثیر متقابل آموزش بر رویکرد طراحی معماری جوان پرداخته که با توجه این که اهمیت تاثیر معماران و تولیدات آنها در هر تمدن و جامعه ای انکار ناپذیر بوده و بررسی آن در شرایط فعلی حاکم بر رویکردهای طراحی امری ضروری به نظر میرسد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله بر اساس مطالعه تحلیلی- تفسیری است. که برای دستیابی به پاسخ سوالات پژوهش با گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه ای و بررسی پژوهش های شده در زمینه نحوه آموزش و چارت تحصیلی معماری و بلاخص سرفصل دروس طراحی در ایران پرداخته و با استفاده از مشاهدات میدانی و انجام مصاحبه و پرسشنامه بین صاحب نظران و فارغ التحصیلان دهه نود دانشکده های معماری شهر اصفهان به علت کسرت تعداد جامعه آماری و در دسترس نبودن تمامی آنان به روش تصادفی از بین فعالان در دفاتر مهندسی مشاور شاخص شهر اصفهان به انتخاب مصاحبه شونده ها اقدام و به جمع آوری داده های پژوهش اقدام نموده و سپس به تفسیر داده های به دست آمده به روش کیفی پرداخته است.

۳- پیشینه تحقیق

کیان ارثی در پژوهشی با مطالعه تطبیقی سه نسل آموزش دانشگاهی سیر آموزش دانشگاهی معماری را با توجه به مولفه های مهارت دانش و تفکر طراحی مورد تحلیل قرار داده است (کیان ارثی، مظفر، و خسروی، ۱۳۹۸) صدقاتی در پژوهشی به میزان موفقیت دوره کارشناسی در انتقال محتوی آموزش معماری در ایران پرداخته و سه مولفه دانش توانش و بینش را رکنهای اصلی محتوای آموزشی برشمرده است (صدقاتی و حجت، ۱۳۹۸) جز پیری در پژوهشی تحت عنوان واکاوی تاریخ گرایی در کتب تالیفی دهه ۸۰ حوزه معماری معاصر ایران به تاثیر تاریخ گرایی در معماری معاصر ایران پرداخته (جز پیری و متین، ۱۳۹۹) شریفیان در پژوهشی با عنوان تبیین الگوی آموزش تا عمل در نظام آموزش معماری ایران با بررسی نظام آموزشی و مقایسه آن با جهان به دنبال ارائه راه حلی برای فاصله میان بازار کار و دانشگاه میباشد (شریفیان، ۱۳۹۴) ثبات ثانی در پژوهشی با عنوان مقدمه ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ه.ش. با رویکرد تحلیلی به برخی از عوامل مؤثر بر آثار معماری دوره ی معاصر پرداخته و نتایج آن را در سیمای آثار و گرایش - معماری معاصر ایران بررسی شده (ثبات ثانی، ۱۳۹۲) لعل بخش در پژوهشی با توجه احساس کمبود مشارکت در دانشگاهها به ارائه مدل آموزش مشارکتی در طراحی معماری در دانشکده های ایران پرداخته است (لعل بخش، قبادیان و عزیزی، ۱۳۹۹) همچنین اقبالی و اعتصام در رساله دکتری با عنوان هویت معماری معاصر ایران، بررسی تطبیقی نظریه ها و تجربه ها، پرداخته و معتقد است که کمبود مدرسانی که آگاهی و توان کافی جهت تدریس و تفهیم معماری و فرهنگ اسلامی را داشته اند، باعث شده اند که دانشجویان به تنها مرجع مطمئن یعنی مجلات و کتاب های اروپایی و آمریکایی متوسل شوند. بدون داشتن یک پایگاه تئوریک و وقوف کامل از چگونگی تحولات و مفاهیم معماری به تقلید سطحی از آن پرداخته شده است. (اقبالی و اعتصام، ۱۳۸۷) و طایفه و حجت رساله دکتری با عنوان واکاوی رابطه هویت و فرم در معماری معاصر تهران (تفسیر رابطه فرم و محتوا در بناهای شاخص تهران در دهه چهل و پنجاه)، به تفسیر فرم معماری تهران معاصر در دو دهه چهل و پنجاه هجری شمسی (پهلوی دوم) پرداخته است. این پژوهش، ماهیتی (کل نگر و تفسیری) دارد و با اتخاذ (رویکردی کیفی) و از طریق روش تحلیل محتوای چند متغیری، موضوع پژوهش را در زیر شاخه های مختلفی پی گرفته و تحلیل می کند. (طایفه و حجت، ۱۳۹۴) لذا در کمتر پژوهشی به تحولات اخیر طراحی معماری و با نگاهی به معماران جوان پرداخته شده و تاثیر دروس دانشگاهی بلاخص دروس طراحی را بر رویکردهای معماری معاصر دیده است که در این پژوهش سعی در رفع این خلا شده است.

۴- مبانی نظری

۴-۱- دوره بندی معماری معاصر ایران

اقبالی معماری معاصر ایران را در طی سالهای ۱۲۸۴ الی ۱۳۸۰ به پنج دوره تقسیم بندی کرده است که عبارتند از: دوره اول: بین سالهای ۱۲۸۴ الی ۱۳۰۹ به نام معماری التقاطی؛ دوره دوم: طی سالهای ۱۳۱۰ الی ۱۳۲۹ به نام شروع تجددگرایی؛ و دوره سوم: و سالهای ۱۳۳۰ الی ۱۳۳۹ به نام رواج تجددگرایی دوره چهارم: سالهای ۱۳۴۰ الی ۱۳۶۷ نقد مدرن گرایی؛ و دوره پنجم: بین سال های ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۰ تکثر رویکردها؛ (اقبالی و اعتصام، ۱۳۸۷) بانی مسعود نیز این دوره ها را براساس دوره های سیاسی بدین شرح تقسیم بندی کرده است؛ که (۱) دوره پهلوی اول: سبکهای رایج معماری دوره ی رضا شاهی را میتوان در سه گرایش معماری تقسیم بندی نمود: تداوم معماری اواخر قاجار، سبک معماری اوایل مدرن و نئوکلاسیک اروپا با تلفیق موتیفهای ایرانی سبک ملی. (۲) دوره پهلوی دوم: این جریانات در دوره پهلوی دوم، به یک جریان غالب و تأثیرگذار معماری مدرن تبدیل میشود. معماری مدرن شکل از کارهای معماران و اندیشه های جریان ساز اروپا از جمله: سبک بین المللی، مدرسه گرفته در این دوره، عمدتاً باهوس، کارهای لوکوربوزیه، فرانک لوید رایت، ریچارد نوبترا، آوار آلتو، جیمز استرلینگ و غیره حمایت می شد و ماحصل آن صورت ایرانی معماری مدرن بود که به نام معماری شبه مدرنیستی نامگذاری شد. (۳) پس از انقلاب اسلامی: پس از انقلاب، معماران ایرانی، تحت تأثیر دو پدیده موازی قرار داشتند. اولین تحول تأثیرگذار در این دوران، اندیشه ها و کارهای ساخته شده پیشگامان نسل دوم بود که سودای آشتی دادن معماری مدرن با سنن و فرهنگ ایرانی را در سر میپوراندند. دومین جریان تأثیرگذار که ریشه در تمدن و فرهنگ غرب داشت و از جریان اول نیز پررنگتر و تأثیرگذارتر بود. (بانی مسعود، ۱۳۸۸).

۴-۲- رویکردهای معماری معاصر ایران

جهت این تقسیم بندی میتوان اشاره کرد که نخستین انگاره های معماران، تلاش برای دستیابی به نوعی قرائت جدید از معماری بوده که بتواند در انطباق با ساختارهای ماهوی معماری ایران باشد و وانمودهای تاریخی و هویتی ایرانی را با نمونه های وارداتی ترکیب کند. (محمودی نژاد و پورجعفر، ۱۳۸۵) از اواسط عصر قاجاریه، تحولی بنیادین در معماری ایران صورت گرفت؛ بدین نحو که منبع الهام، ساختار ایده های طراحی و شکل معماری و در پی آن مصالح و شیوه اجرای ساختمان در ایران دگرگون شد. (قیادیان، ۱۳۹۵) نحوه طراحی و اجرای ساختمان در ایران از این زمان به سمت جهان مدرن و یا به عبارتی جهان غرب گرایش پیدا کرد و معماری چند هزار ساله ایران به تدریج اولویت خود را از دست داد و به عقب رانده شد. (صارمی، ۱۳۷۸) میتوان رویکردهای معماری را مطابق جدول شماره ۶ تقسیم بندی نمود.

جدول شماره ۶- ویژگی ها و تاثیرات معماری معاصر (شایان و معماردزفولی، ۱۳۹۳)

دوران ناصر و قاجار	دوران پهلوی اول (۱۳۰۰-۱۳۲۰)	دوران پهلوی دوم (۱۳۲۰-۱۳۵۷)	دوران پس از انقلاب
ارتباط با اروپا نقاشی و تزئینات	مراحل اولیه صنعتی شدن	توجه به شهرسازی و منشور آتن	همزمانی با جریان های پسامدرن
ورود مدرنیته از طریق شهر سازی	جنگ جهانی و رابطه ایران و آلمان	رویکرد ناسیونالیستی به گذشته	معماری گرایش های سنتی
مشروطه و جریان روشنگری	پیروی از مدرنیسم بین الملل	نگاه نوستالژیک به معماری گذشته	جریان های خرد گرا
ترجمه آثار غربی (دکارت)	گرایش های نوستالژیک گذشته	رویکردهای تقلیدی	گرایش های نئو برو تالیستی
روزنامه ها دانشگاه -حماد مدرنیته	افتتاح ایستگاه راه آهن	-	برداشت فرمال از معماری گذشته
سینما ادبیات معماری	تأثیر معماران نازیستی	-	برداشتهای مفهوی از معماری گذشته
مکتب تهران در معماری	ریتم	-	-
تأثیر شهرسازی هوسمان و نمایشگاه های جهانی	تأثیر نئو کلاسیک در ساختمانهای دولتی	-	-

۴-۳- معماران شاخص معاصر ایران

با تقسیم بندی گرایشها و رویکردهای معماری معاصر باید بتوان نسلهای معماری معاصر را براساس ویژگیهای خاص زمانی و اشتراکات سبکی طبقه بندی کرد. تاریخ معاصر ایران و به تبع آن، معماری معاصر ایران را میتوان از زمانهای مختلف شروع کرد که با شکلگیری دوره قاجار که مصادف با نوگرایی اروپایی است. (بانی مسعود، ۱۳۸۸) و هدف اصلی معماران و نظریه پردازان این دوران ظهور معماری ایرانی جدید بود. معماران شاخص دوران معاصر را میتوان به ۴ نسل تقسیم بندی کرد که شالوده معماری معاصر را رقم می زنند.

جدول شماره ۷- نسل های معماران معاصر و رویکردهای آنان (نگارندگان، برگرفته از (شایان و معماردزفولی، ۱۳۹۳))

نسل اول		پیشگامان نسل دوم		متاخران نسل دوم		نسل سوم	
معماران	رویکرد ها	معماران	رویکرد ها	معماران	رویکرد ها	معماران	رویکرد ها
میرزا علی خان مهندس	ملی، نئوکلاسیک، نیوپالادین با تلفیق باروک فرانسه	مدرنیسم تاریخگرا، معماری یادمانی، اسکیس راندو	مهدی علیزاده سقطی	معماری مدرن با تلفیقی از معماری گذشته، ارتباط انسان و معماری، سادگی و استحکام	بهرروز احمدی	معماری ایرانی، معماری پسامدرن با محورهای سرزمینی	

معماری بومی و محلی، تعامل در گرایش به فرهنگ و سرزمین با افقهای دوردست	بیژن شافعی	مینیمالیست، اخلاق در طراحی، معماری کالسیک، خلوص و سادگی در طراحی	فرامرز شریفی	درنیسم، باوهاوس، بین الملل تکنولوژی ساخت	عبدالعزیز فرمانفرمایان	ملی، نیوکالسیک، مکتب معماری مدرن وین	کریم طاهرزاده بهزاد
ساختارگرایی، شکلاقرینی تجریدی	رضا دانشمیر	کشف، شهود، پرداختن به ابهام، بیان نوآوری در معماری، مدرنیسم، سادگی، وحدت و تنوع، نظم ساختاری و فردیت بارز	ایرج کالنتری طالقانی	عماری مدرنیسم ایرانی، بومی استفاده از تکنولوژی روز دنیا	یوسف شریعتزاد	مدرن راسیونالیستی، آرنووی، باوهاوس، مدرنیسم تاریخگرایی	وارطان آوانسیان
مدرن. مینیمالیست شاعرانه	محمد مجیدی	معمار-نقاش، شالوده‌شکنی، اکسپرسیونیست، تندیس گرایی، سادگی مینیمالیستی	محمدرضا جودت	مدرنیسم تاریخ گرا و نوستالژیک، گرایشهای هنری، معماری انسان، بومگرایی	کامران دیبا	مدرنیسم، برداشت مفهوم گرا از گذشته	حیدر قلیخان غیایی
مدرن متأخر با قابندهیهای نمایان	بهرام شکوهیان	مفاهیم سنتی نو، هندسه، انتظام، سلسله مراتب، حیاط مرکزی	حسین شیخ زینالدین	تلفیق سنت با تکنولوژی	نادر خلیلی	مدرنیسم بین الملل	گابریل گورکیان
حجم مدرن با موتیفهای بومگرا	محمدرضا نیکبخت	معماری مدرن ایرانی با توجه به مفاهیم نظیر درونگرایی-انعکاس- پیوند معماری با طبیعت-هندسه- شفافیت و تداوم راز و ابهام -تبادل موزون- توازن حساس	داراب دیبا	معماری سنتی، طبیعت، فرهنگ، معنویت اسلام، فضاسازی بومی	نادر اردلان	مدرنیسم، برداشت مفهوم گرا از گذشته	محسن فروغی
فرمگرایی مدرن متأخر	بابک شکوفی	ارزشهای پایدار معماری ایران، فرمهای اکسپرسیونیستی، پادمانی، تندیس گرا، مفاهیم مشترک معماری سنتی	علی اکبر صارمی	معماری با ریشه های سنتی، ایرانی، طبیعت، معماری ارگانیک	حسین امانت	مدرنیسم، برداشت مفهوم گرا از گذشته	پل آبکار
سوپر مدرن	بهرام کالنتری کوروش دباغ	ترکیب معماری سنتی و امروزی، ارزشهای استعاری، تجریدی، حجمهای خالص	سیدهادی میرمیران	-	-	مدرنیسم ساختارگرا	روان مارسل دوپرول
ساختارگرایی، استفاده از فنگرایی و تکنولوژی در معماری	سام طهرانچی	معماری در تداوم تاریخ، معماری سبز، معماری مفهومگرایی	کامران صفامنش	-	-	مدرنیسم، سنتگرایی و بومگرایی	آندره گدار
فرمگرایی اکسپرسیونیستی	عباس ریاحی فرد فرناز رضوی	مفهومگرایی، متنگرایی، معماری پایدار، معماری برگرفته از مفاهیم سنتی، تاریخگرایی	فرهاد احمدی	-	-	گرایشهای اسلامی و ایرانی	نیکلای مارکف
مفهوم فضای سوم، معماری شالوده شکنی، فولدینگ، تکنولوژی و برنامه های کامپیوتری، تحول فرم، فرمهای آنافورمیک و بیولوژیک، هندسه توپولوژیک			بهرام شیردل	-	-	مدرنیسم و سنتهای معماری ایران	ماکسیم سیرو
سادگی مینیمالیستی، متنگرایی، زمینه گرایی، های پویای فرم و فضاهای سیال، فرم معماری ایرانی، هندسه توپولوژیک			فیروز فیروز	-	-	استفاده از عناصر معماری سنتی ایرانی	علی اکبر صادق
اندیشه های فلسفی، خالقیت هنری، روایتگرایی، زمینه گرایی، سورئالیست، باستانگرایی، معماری اسال، می پاپ آرت، هنر مفهومی و کوالژهای شالوده شکنانه			مهرداد ایروانیان	-	-	مدرنیسم، تأثیر از وارطان	کیقباد ظفر بختیار

۴-۴- تاریخچه آموزش معماری در ایران

آموزش سنتی در معماری ایران عموماً به شیوه شاگرد و استادی که غالباً با مفاهیم انسانی و عرفانی که از اصول و چهارچوبهای محتوایی و عملکردی بهره برده است نشأت می‌گرفت و مورد حمایت کارگاههای تولیدی مصالح بومی منطقه بوده است. که با خود کفایی و اتکاء به فرآورده های فرهنگی، اقلیمی و اقتصادی باعث شده تا در طی قرنهای متمادی فضاها بدیع و شگرف پدید آید. از جمله این اصول و قواعد که توسط استاد پیرنیا مدون گردیده میتوان به مردم واری، پیمون داشتن، بوم آورد بودن، درونگرایی، نبارش و پرهیز از بیهودگی اشاره کرد که در آموزشهای معماری امروزه کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. و تنها جایگاه توصیفی داشته و از نحوه به کارگیری و ترکیب آن با معماری مدرن و بدست آوردن نوعی معماری با عملکرد عالی کمتر نشانه ای دیده می شود. (حسینی، مفیدی شمیرانی، & مدی، ۱۳۸۷) آموزش معماری تا دوره قاجار در ایران به همان شکل شاگرد استادی ادامه یافت، در این دوره مدرسه دارالفنون با محتوای آموزشی غربی از سو امیرکبیر بنیان به عنوان اولین مدرسه معماری تأسیس گردید. (سلطانزاده، ۱۳۸۷) و در اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، معماران ایرانی تحصیل کرده در اروپا به ایران بازگشتند و همراه با برخی از مهندسان غربی نخستین پایه های تأسیس مدرسه عالی معماری و سپس دانشکده هنرهای زیبا را در سال ۱۳۱۹، با سه رشته معماری، نقاشی، و مجسمه سازی بنیان نهادند (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۰) در نتیجه، دانشکده هنرها زیبا اولین دانشگاه برای آموزش رشته معماری و دومی آن دانشگاه ملی بود. در دانشگاه ملی، از معمارانی که تجربه تحصیل در دانشکده هنرهای زیبا و دانشگاههای اروپا داشتند به همکاری دعوت شد (اعتصام، ۱۳۸۷).

جدول شماره ۱- سیر آموزش معماری معاصر ایران (حجت، ۱۳۹۳)

دوره	توضیح
عهد ناصری	دوران نفوذ سطحی معماری غرب در ایران بر اثر سفر ناصر دین شاه به اروپا/ در این دوره راه و رسم آموزش روال سنتی بود بناها و ساختمانها با دست معماران سنتی و با شکل و شالوده سنتی ساخته می شدند
عصر پهلوی	آشنا شدن ایرانیان با تفکر و فرهنگ غربی و از طریق وسایل ارتباط جمعی ورود معماران با فخرهنگهای متفاوت به ایران و تغییر پیوسته معماری معماری ایندولوژیک تعقلی و شیوه غربی به جای معماری تعبدی فطری و شهودی
دانشکده هنرهای زیبا	این دوره تاثیر بسیار چشم گیری بر معماری و آموزش معماری داشته تفاوت این دوره با دو دوره پیشین این است که در دوره های پیشین، معماری غرب از طریق مشاهده، تقلید و ساختن توسط معمار بیگانه و به طور کلی، «پدیده ای بیرونی» وارد سرزمین شده است، اما در این مرحله، نفوذ از درون و تحت لوای آموزش بوده است. تأسیس دانشکده هنرهای زیبا سبب خانه نشینی تدریجی معماران سنتی و معماران بومی شد و معماران تحصیلکرده دارای مدرک تحصیلی، وارد بازار کار شده و چهره شهرها را دگرگون کردند. تدوین قانونها، مقررات و ضوابط جدید ساخت و ساز توسط نهادهای حکومتی، معمار سنتی را از دخالت در طراحی منع نموده و از این پس، طرح و امضاء معمار تحصیل کرده، امکان اجرا و ساخته شدن را داشت. معمار سنتی یا به کل از عرصه معماری خارج و یا به صورت بنا، در نقش مجری و سازنده طرحهای نو دانشگاهی ایفاء نقش نمود. شیوه تازه آموزش معماری لزوماً در تضاد با معماری گذشته نبود، اما به آن به صورت گونه ای از گونه های ساخت و ساز- با دید شناخت شناسانه غربی نگاه مینمود: معماری سنتی در کنار معماری مدرن، معماری نئو کلاسیک و غیره. ارزیابی شاگرد پیش از ورود به مدرسه- به شیوه های مختلف از دیگر تفاوتهای آموزش جدید با سنتی بود. اصولی که تدریس میشد، اصول و قواعد معماری غرب بود و هیچ سنخیت و تناسبی با معماری سنتی و بومی ایران نداشت. گوش دادن به سخنان استاد، جایگزین نگاه کردن به دست استاد شد. کسب مهارت واقعی در عمل، تبدیل به کسب مهارتهای تجربی شد؛ به طوری که دست دانشجوی معماری- شاید هرگز- با مصالح و ابزار بنایی تماس نداشت، اما مهارتها در ترسیم و تصور و طراحی معماری پرورش می یافت. حکمت معماری که به صورت عملی، سینه به سینه و تعبدی از استاد به شاگرد منتقل میشد، به صورت نظری- معمولاً بیانگر نظریات معماری روز غرب درآمد.

۴-۵- نظام آموزش دانشگاهی معماری

آندره گدار فرانسوی، اولین رئیس دانشکده هنرهای زیبا تهران بود و تأثیر چشمگیری در انتخاب شیوه آموزش داشته است. (ثبات ثانی، ۱۳۹۲) دانشجویان این دانشکده در سه آتلیه جداگانه زیر نظر ماکسیم سیرو، آندره گدار، رولان دوبرول و محسن فروغی معمار ایرانی فارغ التحصیل از مدرسه عالی بوزار فرانسه، مشغول به تحصیل شدند. روش آموزش آتلیه ای که در ابتدای تأسیس رشته معماری در ایران و به پیروی از روش آموزش دانشکده هنرهای زیبای بوزار اعمال می شد به روش آموزش سنتی معماری نزدیک تر بود؛ و دانشجو در طول تحصیل، در آتلیه، مراتب استاد شاگردی را در محیطی نظری و نه در کارگاه ساختمانی طی می کرد (مختاری طالقانی، ۱۳۹۰) پس از گدار و در زمان ریاست محسن فروغی، شیوه آموزش معماری ادامه یافت و در زمان ریاست هوشنگ سیحون که از فارغ التحصیل این مدرسه بود و تحصیلات خود را در فرانسه تکمیل کرد، مطالعه و آشنایی با معماری بومی ایران از طریق سفرهای دانشجویی رایج شد. در زمان ریاست محمد امین میرفندرسکی و با حضور استادان جدید در دانشکده، سیستم آموزش آتلیه ای دگرگون شد و ۲۱ سال بعد با تأسیس دومین دانشکده معماری ایران، در دانشگاه ملی، آموزش معماری در ایران، متحول شد. در این دانشکده ها دانشجویان معماری توسط اساتیدی تعلیم داده میشدند که خود، در مکتب مدرن تحصیل کرده بودند و منبع الهام دانشجویان معماری آن دوره برای درک تحولات جهانی بودند (ثبات ثانی، ۱۳۹۲) دانشگاه ملی ابتدا با همان شیوه پایه ریزی شد ولی بعد ها از طریق استادانی که فارغ التحصیل ایتالیا بودند با تغییر روند، به شیوه آموزش معماری در مدرسه باهوس نزدیک شد. و بر خلاف سیستم بوزاری که دانشجویان، تنها با یک استاد کرکسیون می کردند، با استادان مختلف سروکار داشته توجه خود را بیش از وجه هنری بروجه فن معماری معطوف می ساختند. (باور، ۱۳۸۷)

مدرسه بوزار پاریس و مدرسه باهوس آلمان هر دو به ترتیب شیوه های آموزشی آنلاینی، کارگاهی را به عنوان میراث ارزشمند آموزش معماری در دنیای معماری به جای گذاشتند. ولی چون هر دو مدرسه در دوره مدرن به وجود آمدند، در حال حاضر که در دوره پسا مدرن و گرایش های متکثر به قواعد و شیوه ها هستیم این روش ها می تواند به عنوان یکی از انواع روشهای متعدد و در کنار آن ها مورد توجه و استفاده قرار گیرد و در مجموع نمی توانند تنها روش مطلوب مورد استفاده در نظام آموزشی مدارس معماری، تلقی گردند (کاظم زاده رائف و میردریکوند، ۱۳۹۹).

جدول شماره ۲- سیرآموزش دانشگاهی معماری معاصر ایران (حجت، ۱۳۹۳)

آموزش معماری تحت تأثیر بوزار ش ۱۳۱۹-۱۳۴۶	آموزش معماری تحت تأثیر باهوس ش ۱۳۴۷-۱۳۵۷	آموزش معماری در جست و جوی هویت
نام دانشکده برگرفته از بوزار بود و اسانید هم به شیوه بوزار تدریس میکردند، یعنی همان روشی که با آن آموزش دیده بودند. مهندس فروغی و مهندس رولاند دوپرول، دیپلمه مدرسه عالی هنرهای زیبا شعبه معماری از پاریس به همراه ابوالحسن صدیقی، مجسمه ساز معروف، زمانی را صرف مطالعه و تدوین برنامه های جهت بنیانگذاری مدرسه عالی معماری متناسب با محیط ایران کردند و در مهر ماه ۱۳۱۷ خورشیدی، مدرسه های به نام «مدرسه عالی معماری» در وزارت پیشه و هنر محل مدرسه عالی کمال الملک به ریاست ابوالحسن صدیقی بنیان نهادند. نتیجه این مرحله، ساخت بناهایی در تهران متناسب با فرهنگ، سیاست و شرایط اجتماعی و اقتصادی جامعه شد.	تأسیس مدرسه باهوس در سال ۱۹۱۹ میلادی، نقطه عطفی در معماری اروپا و نشانه تثبیت و انسجام معماری مدرن بود، اما تأثیر این مدرسه و مکتب در آموزش معماری ایران تنها زمانی بروز یافت که نسل دوم دانشآموختگان ایرانی تحت تأثیر نهضت مدرن، استادی آموزش معماری را در دانشکده های تهران ملی عهده دار شدند. تفاوت اصلی این نسل با نسل پیشین در این بود که نسل اول بیشتر روش «تقلیدی» را در آموزش پیش گرفته بودند و مصادیق معماری به گونهای دو پهلو- نه سنتی و نه مدرن- بودند، اما در مرحله دوم، مکتب مدرن با تمام اصول و قواعدش به صورت قطعی و الزم الاجرا و به عنوان تنها تفکر و طراحی معماری آموزش داده شد.	با انقلاب اسلامی ایران، پیروی از غرب که در جامعه به صورت یک ارزش درآمده بود، به ضد ارزش تبدیل شد. تحولات فکری غرب در مرحله گذر از مکتب مدرن به پستمدرن، مکتوب شده و با تأخیر به محافل دانشگاهی و حرفه های ورود پیدا کرد. تحولات سیاسی و اجتماعی انقلاب، موجب تحولات چشمگیری در کادر و نظام آموزشی مدارس معماری شد و مدرسانی با دلبستگی بومی و مذهبی پا به عرصه آموزش معماری گذاشتند. بنابراین دیگر شیوه و مکتب خاصی بر آموزش معماری در ایران حاکم نبود در آموزش، برخی شیوه های معماری غرب را یکی پس از دیگری الگو قرار دادند بی هویتی، برخی به تکرار ظاهری هندسه و نمادهای معماری سنتی پرداختند بی هویتی و تقلید و برخی بر کارکرد و ساختار بدون توجه به جنبه های ارزشی و معنایی تأکید کردند تأکید بر بیهویتی افزایش چشمگیر دانشکده های معماری دولتی و غیردولتی

۵- یافته ها

۵-۱- بررسی برنامه آموزشی رشته معماری

در ابتدا، آموزش معماری در سه بخش عملی مقدماتی، سیکل اول، و سیکل دوم تدریس میشد. تا سال ۱۳۷۷ پذیرش دانشجو در قالب کارشناسی ارشد پیوسته معماری صورت میگرفت. و از سال ۱۳۷۸ به صورت دوره کارشناسی تغییر یافت. که به تربیت کارشناسانی با کارایی عمومی و حرفه ای اختصاص یافت. در بیست سال گذشته، اصلاحاتی در دسته بندی و محتوای دروس برنامه آموزشی از قبیل قائل شدن ارزش بیشتر برای بخش عملی در دروس نظری/ عملی و افزایش واحد درس آشنایی با معماری معاصر صورت گرفته است. از آنجاکه برنامه مصوب شورای عالی برنامه ریزی وزارت علوم در سال ۱۳۹۵ جامعترین برنامه ای است که در بیشتر دانشکده های کشور اجرا می شود، در این پژوهش این برنامه آموزشی بررسی و مورد قیاس واقع شده است.

دوره کارشناسی معماری در این برنامه به منظور کارایی و نگرش عمومی، کسب دانش نقد و تولید اثر معماری ایجاد شده است. دروس مختلف در ذیل دروس طراحی قرار گرفته تا با هدف (۱) پاسخگویی به نیازهای کشور، (۲) توجه به هویت ایرانی اسلامی معماری، و (۳) هماهنگی با نظام آموزشی بین المللی به تربیت معمارانی با کارایی عمومی حرفه های پرداخته شود. (غریب پور و میر محمد صادقی، ۱۴۰۰) نسبتهای آموزشی: اعطای مدرک کارشناسی پس از تکمیل ۱۴۰ واحد (شامل ۲۴ واحد تخصصی پایه، ۸۱ واحد اصلی، ۱۳ واحد اختیاری و ۲۲ واحد عمومی) صورت میگردد.

دروس تخصصی: در گروه های (۱) طراحی معماری، (۲) تاریخ و مبانی نظری، (۳) فن ساختمان تقسیم می شوند.

دروس انتخابی تخصصی: در قالب ۱۲ درس و ۲۵ واحد در حوزه های متنوعی از قبیل مرمت، زبان تخصصی، کارآموزی، دروس فنی، و طراحی در نظر گرفته شده است. هر دانشجو موظف به گذراندن حداقل ۱۳ واحد دروس اختیاری است.

کارآموزی: درس کارآموزی به صورت اختیاری در نظر گرفته شده است.

پایان نامه: پایان نامه یا طرح نهایی به صورت اجباری در قالب طراحی معماری جامع با موضوع مد نظر دانشجو از مرحله ایده پردازی تا تهیه دقیق طرحهای اجرایی به همراه تهیه رساله تعریف شده است.

جدول شماره ۳- تقسیم بندی دروس تخصصی معماری دانشگاه (نگارندگان برگرفته از (غریب پور و میر محمد صادقی، ۱۴۰۰))

سال اول	سال دوم		سال سوم		سال چهارم		سال پنجم						
	نیمسال اول	نیمسال دوم	نیمسال اول	نیمسال دوم	نیمسال اول	نیمسال دوم							
-	معماری جهان	معماری اسلامی	معماری معاصر	معماری معاصر	-	-	-						
			مبانی نظری معماری	معماری بومی									
مقدمت طراحی	مقدمت طراحی	فریند طراحی معماری	طراحی معماری	طراحی معماری	طراحی معماری	طراحی معماری	طراحی معماری						
								اسکیس	طراحی فضاهای شهری				
ایستایی	مقاومت مصالح و سازه فلزی	سیستم های ساختمانی	تاسیسات مکانیکی	مبانی برنامه ریزی شهری	مدیریت و تشکیلات کارگاهی	مقررات ملی ساختمان	-						
								نقشه برداری	تنظیم شرایط محیطی	ساختمان ۱	ساختمان ۲	تاسیسات الکتریکی	طراحی فنی
-	-	درس اختیاری	درس اختیاری	کار آموزشی	-	-	-						

۲-۵- بررسی دروس طراحی معماری

جان هسکت در مورد طراحی اینگونه میگوید: طراحی یک محصول نهایی است اما در کنار اینکه یک محصول نهایی است یک فرایند یا پروسه هم هست و باید در بحث آموزش معماری چه برای خودمان که معمار حرفه ای هستیم و چه برای کسی که می خواهیم آموزش بدهیم. با توجه به اهمیت دروس طراحی معماری در شکلگیری روند فکری طراحی معماران به بررسی سر فصل آموزشی این دروس پرداخته و روند فکری ایجاد شده را مورد بررسی قرار داده دانشجویان پس از گذراندن دروس پایه تخصصی نسبت به گذراندن ۶ درس در حوزه طراحی معماری اقدام میکنند این دروس جزو دروس اصلی و ۵ واحد عملی و ۱۶۰ ساعت میباشند و از نیم سال چهارم به دانشجو تدریس میگردد و پایه گذار طراحی دانشجو می باشند.

جدول شماره ۴- برنامه درسی دروس طراحی (نگارنگان، برگرفته از) برنامه درسی دروس رشته معماری، (۱۳۹۵)

ردیف	نام	پیشنیاز	اهداف درس	سرفصل درس
۱	طراحی معماری ۱	مقدماتی	اولین درس پروژه محور بوده نکات و یافته های دروس مقدمات طراحی را در قالب یک تمرین تالیف کند. در این پروژه و آموختن روش دستیابی به ایده کلی و پرورش آن برای رسیدن به طرح معماری یعنی سیر از سوال به جواب مورد تاکید است موضوع طرح به گونه ای است که متکی بر الگوی ذهنی از پیش تعیین شده ای نباشد و واضح ساده و کم حجم باشد. کارگاه تولید و فروش خارج از شهر- فضای استراحت بین شهری	رئوس از پیش تعیین شده ای پیشنهاد نمیگردد بسته به قابلیت های دانشجویان و با نظر مدرس در قالبهای شکلی متفاوت دانشجو را در رسیدن به یک طرح و یک هدف هدایت می کند.
۲	طراحی معماری ۲	مقدماتی	طراحی یک فضای مشخص و افزودن بر تجربه طراحی. طراحی با در نظر گرفتن شرایط محیطی و رفتاری طی طراحی یک موضوع ساده با ابعاد وسیع تر موضوع در حوزه معماری معاصر که دانشجو تجربه آنرا داشته باشد مانند مسکونی یا آموزش برقراری ارتباط میان دروس نظری مانند تنظیم شرایط محیطی و معماری معاصر با طرح آشنایی با رابطه میان جزء و کل	طراحی داخل یافت شهری (زندگی چند نسل در کنار یکدیگر) توجه به عوامل عملکردی و همجواری ها طراحی جزئیات داخلی فضاها تطبیق با شرایط بوم محیطی تطبیق با اقتصاد ساخت مسائل فرهنگی اجتماعی توجه به نوع سازه تاسیسات و مصالح توجه به نور روز شب متناسب به فضاها بررسی سطح کف تمام شده و اختلاف سطح و مصالح توجه به کیفیت فضاها و طراحی معمارانه طرح جزئیات در مواردی که متضمن راحتی خانواده باشد

۲	طراحی معماری ۳	طراحی معماری ۱	آموزش اهمیت تاثیر گذاری آرمانها و ارزشهای فرهنگی جامعه در کارکرد معماری علاوه بر تاثیر گذاری موارد مادی و کالبدی. ایجاد اثری ماندگار در زمینه مفاهیم فرهنگی و تداوم ارزش های دیرینه پایدار بنا. یاد آور آرمانهای فرهنگی و هنری جامعه و نیز بیان معنا و محتوای کارکردی آن	موضوعاتی با ابعاد بیانی و هنری معماری شاخص مانند: موزه، بنای یاد بود، نمایشگاه خاص، مهد کودک، خانه فرهنگ زیر بنا حدود ۲۰۰۰ الی ۳۰۰۰ متر مربع و سایت پلان آزاد تاکید طرح بر ظرایف بیانی معماری در کالبد بیرونی و داخلی ارائه مقیاس از ۱:۵۰۰ تا ۱:۲۰
۴	طراحی معماری ۴	طراحی معماری ۲	تالیف نظام های عملکردی سازه ای تاسیساتی در قالب یک طرح منسجم تلفیق و تالیف از نظامهای به وجوه آورنده بنا سازه و ایستایی سازمان عملکردی نظام تاسیسات الکتریکی و مکانیکی، و نظم معنایی معماری	موضوعاتی با نظام عملکردی خاص و پیچیده اعم از پیچیدگی های عملکردی شرایط خاص محیطی ضوابط محدودیت های خاص تنوع خواسته های برنامه مسائل فنی ساخت و ... زیربنای وسیع با مقیاس ۱:۱۰۰ موضوعاتی مانند بیمارستان کوچک فرودگاه کوچک موزه تاسیسات بندری و آسایشگاه معلولین
۵	طراحی معماری ۵	طراحی معماری ۳	حل یک مسئله طراحی در مقیاس بزرگ به صورت مجموعه حصول آگاهی های لازم در مقیاس خرد و کلان و در نظر گرفتن عوامل مثل مانند شرایط محیطی اقلیمی اجتماعی فرهنگی و اقتصادی	طراحی مجتمع مسکونی با تراکم متوسط و زیاد با پیچیدگی متوسط برای طراحی طراحی واحد با الگو های اصلی و فرعی با قابلیت تغییر و تکامل و انطباق با شرایط متفاوت تعیین و طراحی نوع سازماندهی مجموعه (گروهی خطی و شعاعی و ...) طراحی فضاهای جمعی در قالب عرصه های نیمه خصوصی نیمه عمومی و عمومی توجه به مقوله همسایگی و همزیستی توجه به نظام سلسله مراتبی کالبدی سیمای مجموعه توجه به کیفیت بصری و تدرتکی مانند انتظام فضایی وحدت تناسبات مقیاس تعادل توازن وضوح و خوانایی جنبه های هویتی
۶	طرح معماری نهایی	کلیه دروس طراحی معماری	جمع بندی و نتیجه گیری تمامی دروس و احراز توانایی های دانشجو در جهت پیشبرد یک طراحی معماری جامع از ایده پردازی تا تهیه دقیق طرح های اجرایی	موضوع به انتخاب دانشجو و با هماهنگی استاد راهنما گروه آموزشی دانشکده تصویب میگردد. مساحت زیر بنای طرح حداکثر ۳۰۰۰ متر مربع فرایند کامل طراحی از مرحله برنامه ریزی کالبدی تا طرحهای اجرایی. توجه به همه عوامل فرهنگی هنری فنی و سازه ای ایستایی تاسیساتی الکتریکی اقلیمی و ... ارائه با مقیاس ۱:۱۰۰ با پلان مبلمان ارائه مطالعات گزارش نهایی مدارک تصویری نقشه های اجرایی و ماکت گزارش شامل : چکیده اهداف معرفی موقعیت و مکان طرح برنامه دهی برنامه فیزیکی شرایط آب وهوایی نقد نمونه های موردی فرایند طراحی و نقشه ها بین ۷۰ الی ۹۰ صفحه

۳-۵- دسته بندی مدل های مختلف طراحی

بسیاری از محققان حوزه تاریخ معماری روند تغییرات فرایند طراحی معماری را به شیوه ها یا دوره های مختلف تقسیم بندی کرده اند ریتل فرایند طراحی معماری را در عصر حاضر در قالب دو نسل تقسیم بندی میکند نسل اول بر پایه روش های علمی و خرد گرا و نظام مند تعریف میشوند و نسل دوم به دنبال روش های طراحی مشارکتی در طراحی اثر معماری است این دیدگاه طراح را را شریک کارفرما و استفاده کنندگان و گروههای اجتماعی معرفی میکند (Perotzen & Harris, 2010) با نگاهی به جریان های فکری پس از جنگ جهانی دوم می توان سه دسته کلی شامل نسل اول روشهای تحلیل و ترکیب، نسل دوم روش های مشارکتی و نسل سوم طرح مایه آزمون دار در تبیین فرایند طراحی مشاهده کرد (مسعود، ولید مغربی، و حسینی یزدی، ۱۳۹۲) که طراح به عنوان یک مفسر، مسیر طراحی را می سنجد تا به مناسبترین واکنش در آن لحظه خاص دست یابد و تفسیر را به عنوان فرایندی در نظر می گیرد که به طور مداوم عواملی را ارزیابی و پیش ارزیابی می کند (soares & pompo, 2010) مهمترین رویکردها و مدل های ارائه شده در زمینه فرایند طراحی اثر معماری از دیدگاه شکل فرایند، عوامل مؤثر، مسیر و جایگاه طراح در جدول شماره ۵ آورده شده است که با در نظر گرفتن تعاریف در در حوزه فرایند طراحی میتوان چنین عنوان کرد که طراحی قبل از سال ۱۹۶۰، میلادی به عنوان فرایندی جهت حل مسئله مطرح بود، اما در نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ تا ۷۰ میلادی با اوج گرفتن انتقادات توجه به سمت راه حل های اجتماعی معطوف شد. امروزه اما توجه به نظامهای پردازش اطلاعات، و نظامهای پشتیبانی از تصمیم سازی در طراحی، به طور چشمگیری افزایش داشته است؛ و طراحی بیشتر از آنکه نوعی فعالیت فردی در نظر گرفته شود امری است که جمعی از افراد را درگیر میکند. (فاضل و مستغنی، ۱۴۰۰).

جدول شماره ۵- روشهای فرایند طراحی (لاوسون، ۱۳۹۲)

روش	فرایند شهودی	روشهای تحلیل و ترکیب	روشهای مشارکتی	روشهای طرح مایه- آزمون
مدل فرایند طراحی	-	مدل عقلایی روشهای نظاممند طراحی	مدل فرایند جدلی	طراحی به عنوان فرایند یادگیری
		رویکرد منطقی مدل الکساندر	هورست رتیل ولادیمیر باز جاناک	
جایگاه و نقش طراح	ذهن طراح جعبه سیاهی است که دادههای کسب شده را در فرایندی مرموز به نتیجهای قابل ارائه تبدیل میکند	درجه بالایی از عقلانیت را برای نقش یرد. طراحی بر طراح در نظر میگ اساس اعتقاد طراح را موفق تر میداند	زیر سؤال بردن نقش طراح به عنوان تصمیمگیرنده اصلی با مشارکت کاربران، طراح یک کارگردان فنی فراهم آورنده اطلاعات تصمیمگیری	پیش بینی دقیق طراحی معماری، پیکربندی مورد نیاز برنامه طراحی، فرایند ارزیابی و چگونگی اجرای بنا، تکیه بر ساختارهای ذهنی طراح
شکل فرایند	کیفی و اثباتی	خط متوالی با شخصیت هنجاری و ارزشی	متوالی اما غیرخطی	غیرخطی اثباتی
فرایند طراحی و مسیر	الهام و شهود مرور تجربیات طراح تصمیمگیری فردی و بسته	تجزیه، تحلیل، ترکیب و ارزیابی تأکید بر ارزشیابی در هر مرحله از فرایند خطی تعریف نظام رفتاری، تعیین نظام کالبدی، درک و تحلیل نظام کالبدی و تبیین نظام محیط-رفتار	دو نوع فعالیت ایجاد تنوع و تقلیل تنوع	فرضیه سازی و جستجوی راهحل
عوامل مؤثر	طراح و تجربه های گذشته او	فرایند طراحی تحت تأثیر زمینه وقوع آن و نگرش به جهان هستی فرایند به میزان زیادی متأثر از نظریه محتوایی طراح	جامعه شرکت یافته در جدل	طرح و تجربیات گذشته

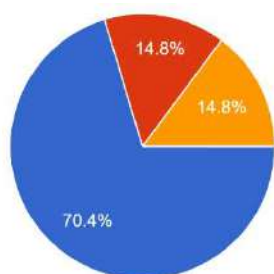
۶- تحلیل یافته ها

منطق فعلی آموزش معماری در دانشگاههای ایران در روندی نسبتاً یکسان و خطی بدون انعطاف پذیری دیده میشود. این مهم باعث میشود، دانشجویان و دانشگاههای ارائه کننده رشته معماری علیرغم برخورداری از متغیرهایی همچون استعدادهای یادگیری، تعابیر اولیه و علایق، تواناییها و تخصصهای اعضای هیأت علمی، رشته های موازی و موجود در واحدهای دانشگاهی، قابلیتها و فرصتهای موجود در بستر دانشگاه و ... از روندی تحکمی به قرار آنچه در سه دهه گذشته به تصویب رسیده است استفاده کنند (عسگری، نصیرسلامی، سلطانزاده، و هاشمنزدا شیرازی، ۱۳۹۸). در اغلب دانشگاههای دنیا دروس گروه تکنولوژی در طول تحصیل در کنار گروه طراحی توزیع شده اند، و دروس مبانی نظری و تاریخ در بیشتر در طول دوره توزیع شده اند تعداد دروس معماری در برنامه آموزشی ایران حدود دوبرابر تعداد کلیه دروس آموزشی در دانشگاههای بررسی شده است. (طیب زاده و پروا، ۱۴۰۰). این امر حاکی از این است که دانشجویان در هر ترم با اساتید متنوعی دروس مختلفی را طی میکنند و امکان تعامل کاربردی میان دروس تخصصی کاهش مییابد با وجود شباهت نسبت حوزه های آموزشی در همه دانشگاهها در کل دوره آموزشی، با مقایسه نسبت حوزه های آموزشی هر درس به صورت مجزا، تفاوت چشمگیری میان برنامه آموزشی در ایران با سایر دانشگاهها وجود دارد. آموزش معماری در اکثر دانشگاهها به صورت طراحی محور و حرفه محور در نظر گرفته شده و به موضوع کارآموزی توجه ویژه دارند. در حالی که کارآموزی در برنامه درسی ایران در قالب یک درس انتخابی عرضه شده است. ولی در اکثر دانشگاههای دنیا با برنامه مستقل زمانی را برای کارآموزی حرفه ای و یا پژوهشی به صورت انتخابی برای دانشجویان ایجاد میکنند. و یا به طور مشخص بین نهادهای پژوهشی و دفاتر معماری با دانشجویان ارتباط برقرار میکنند. (غریب پور و میر محمد صادقی، ۱۴۰۰)

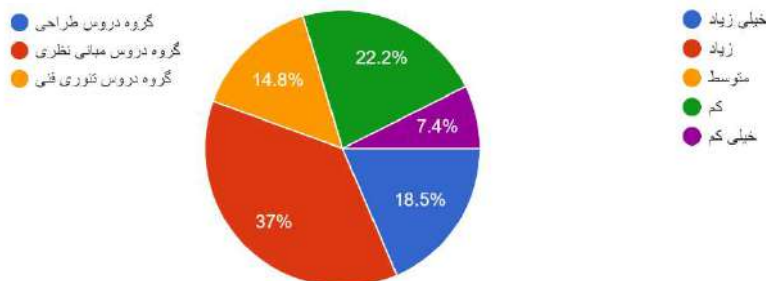
در پاسخ به سوالات پرسشنامه پاسخ های شرگت کنندگان به روش کمی امتیاز دهی (از ۱ الی ۵ امتیاز) و با اخذ توضیحات بیشتر در قالب مصاحبه مولفه های مورد نیاز به صورت کیفی مورد تفسیر قرار گرفته است.

درخصوص پاسخ به ادامه تحصیل بعد از مدرک کارشناسی ۸۵ درصد شرکت کنندگان در رشته های مرتبط در مقاطع بالاتر ادامه تحصیل داده و در توضیح علت شرایط جامعه و رشته تحصیلی را ملزوم ادامه تحصیل دیده اند در خصوص میزان ارتباط تحصیلات دانشگاهی و فعالیت حرفه ای مطابق نمودار شماره ۱ به طور میانگین امتیاز ۳.۷ از ۵ را کسب نموده که خود دلالت بر تاثیر زیاد رشته تحصیلی در انتخاب محیط کاری بعد از فارغ التحصیلی دارد لکن در توضیحات آن تمامی

شرکت کنندگان تحصیلات دانشگاهی را صرفاً آشنایی اولیه با رشته تلقی کرده و آن را کاربردی ندیده اند. تاثیر گروه های درسی در فعالیت حرفه ای بیش از ۷۰ درصد پاسخ دهندگان گروه طراحی را انتخاب نموده اند که برابر امتیاز ۳.۵ از ۵ میشود، که میتوان به اهمیت رشته دروس طراحی در این رشته پی برد. و در پاسخ به توضیح این اهمیت اکثراً به شناخت مبانی اولیه طراحی و طراحی نقشه ها اشاره کرده اند..

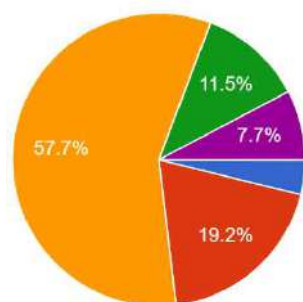


نمودار شماره ۲-بیشترین تاثیر در فعالیت حرفه ای (نگارندگان)

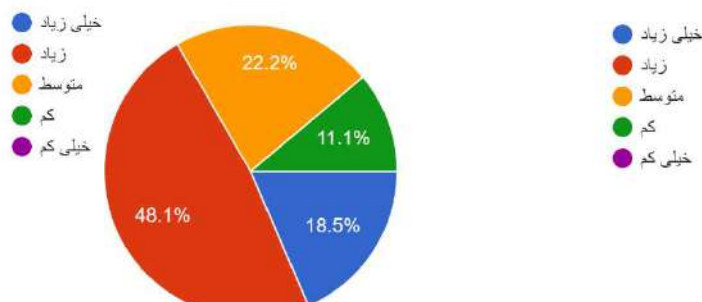


نمودار شماره ۱-میزان ارتباط تحصیلات دانشگاهی و فعالیت حرفه ای (نگارندگان)

در خصوص پاسخ به سوال تشابه چارت درسی مورد بررسی مطابق نمودار شماره ۳ به طور میانگین امتیاز ۳.۷۵ از ۵ را داده که دلالت بر تغییرات کم اصلاحات دارد و در توضیح اکثراً تشابه زیاد به تغییر اسامی دروس و اضافه شدن دروس مقررات ملی، فرایند طراحی و مقدمات طراحی ۳ و دو بخشی شدن دروس معماری اسلامی و معماری معاصر اشاره داشته اند در پاسخ به سوال میزان بهبود چارت مورد بررسی نسبت دروس گذرانده شده جهت آمادگی به شروع کار مطابق نمودار شماره ۴ نزدیک ۶۰ درصد پاسخ متوسط را داده که برابر ۲.۸۹ از ۵ شده است و در توضیح آن به اضافه شدن دروسی مانند مقررات ملی و کارآموزی را برای آمادگی به شروع به کار مفید دانسته اند.

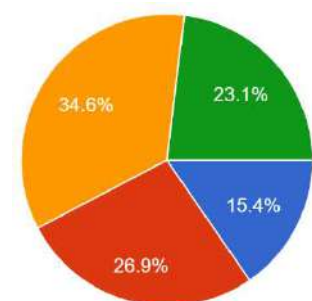


نمودار شماره ۴-میزان بهبود تغییرات جهت فعالیت حرفه ای (نگارندگان)

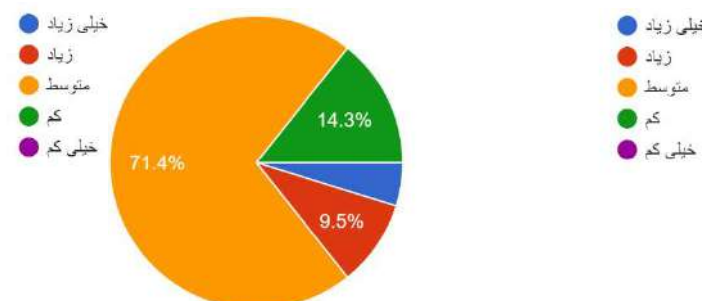


نمودار شماره ۳-میزان تشابه چارت بررسی شده بادروس (نگارندگان)

در پاسخ به سوال میزان تطابق سرفصل ها ارائه شده و تدریس شده در دانشگاه مطابق نمودار ۵ اثر پاسخ دهندگان گزینه متوسط را انتخاب نمودند که برابر میانگین امتیاز ۳.۹۲ از ۵ شده است و در توضیح پاسخ اکثر پاسخ دهندگان به همخوانی موضوع اشاره دارند ولی به علل مختلف عدم رسیدگی به ریز اهداف و توجه به مسائل فنی و سطح جزئیات ضعیف در کلاسها و برخورد سلیقه ای مشکلات کلاس های طراحی عنوان نموده اند. در پاسخ به سوال میزان تاثیر سرفصل های دروس تدریس شده در دانشگاه بر شکلگیری شخصیت طراحی پاسخ دهندگان مطابق نمودار ۶ میانگین ۳.۳۵ از ۵ را کسب نموده و حائز اهمیت است که تماماً در توضیحات ارائه شده صرفاً به یادگیری ضوابط طراحی برای هر موضوع وعدم فرصت مناسب جهت شناخت بهتر و ارائه بهتر دروس اشاره کرده اند.



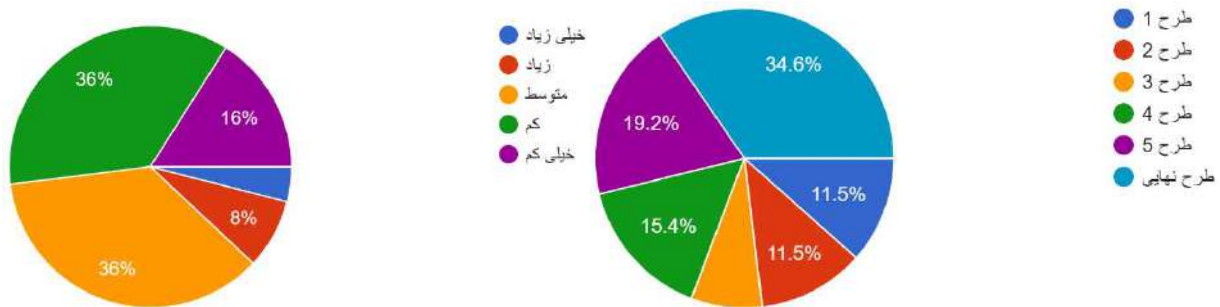
نمودار شماره ۶-میزان تاثیر سرفصل های دروس بر طراحان (نگارندگان)



نمودار شماره ۵-میزان تطابق سرفصل ارائه شده و تدریس شده (نگارندگان)

در پاسخ به سوال بیشترین تاثیر دروس طراحی در شخصیت حرفه ای مطابق نمودار ۷ اکثر پاسخ دهندگان طرح نهایی را انتخاب نموده اند و دلیل آن را آزادی عمل و زمان کافی و استفاده از آموخته های خود دانسته اند شایان ذکر است که تمامی دیگر پاسخ دهندگان که طرحهای دیگر را انتخاب کرده اند آموزه های استاد مربوطه دلیل انتخاب آن طرح دانسته که اهمیت و نقش اساتید در شکلگیری شخصیت طراحی را نشان میدهد. در پاسخ به سوال میزان تطابق دروس طراحی

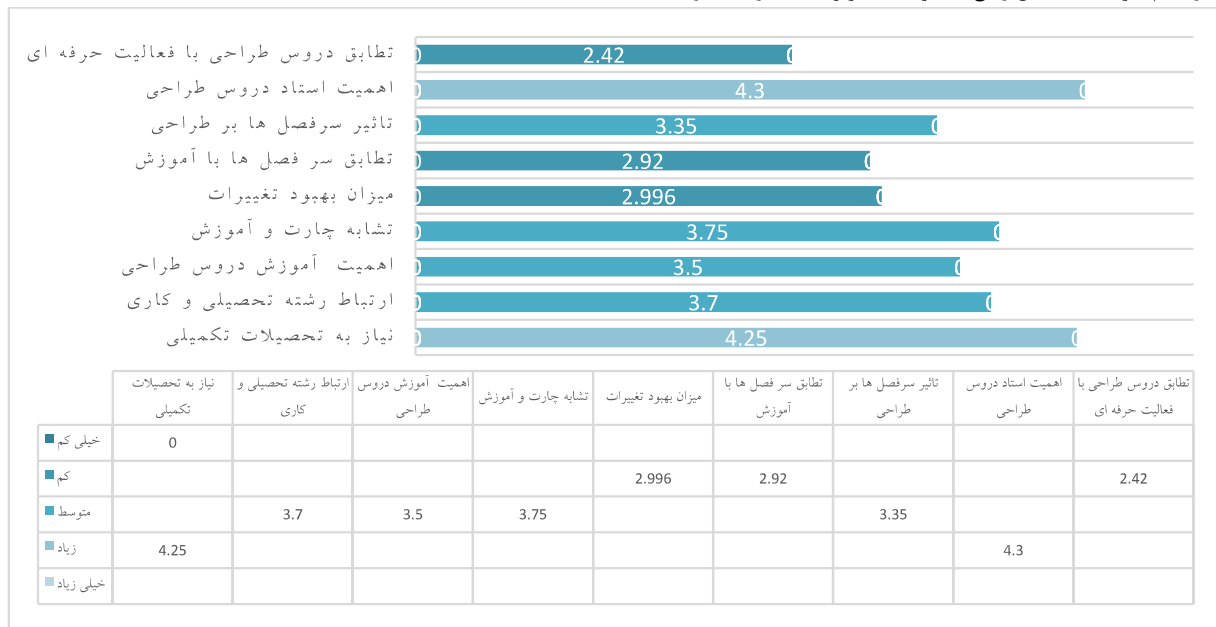
تدریس شده در دانشگاه به محیط حرفه ای مطابق نمودار ۸ بیش از ۵۰ درصد پاسخ دهندگان امتیازی کمتر از متوسط را داده اند از این رو امتیاز این تطابق برابر ۲.۴۲ شده و در پاسخ به چرایی این موضوع عدم توجه به اجرایی بودن طرح ها و عدم انطباق با مقررات و محدودیتهای سایتهای واقعی اشاره نموده اند.



نمودار شماره ۸- میزان تطابق دروس طراحی با فعالیت حرفه ای (نگارندگان)

نمودار شماره ۷- تاثیر دروس طراحی بر شخصیت طراحی (نگارندگان)

در پاسخ به سوال ارئه راهکار جهت بهبود وضعیت تحصیلی دانشجویان اکثر به مواردی همانند آموزش به صورت عملی و حرفه گرا تر و بر اساس قوانینی و مقررات ملی ساختمان استفاده بیشتر از واحدهایی مانند کار آموزی به صورت واقعی و هم راستا با محیط حرفه ای و همچنین از کمبود امکانات درست در دانشگاه اشاره داشتند و تمام شرکت کنندگان وضع معماری معاصر را ضعیف و نا مطلوب دانسته اند.



نمودار شماره ۹ - امتیاز های سوالات نظر سنجی از ۵ نمره (نگارندگان)

۷- نتیجه گیری

در پاسخ به سوالات پژوهش میتوان اینگونه عنوان نمود که آموزش معماری حوزه ای از آموزش با هدف تربیت افرادی به انجام فعل معماری جهت خلق و برپایی اثر معماری است. و امری چالش برانگیز و وابسته به متغیرهای متعددی میباشد توجه به پرورش تفکر طراحی، ارتقا توان شناخت و درک دانشجو در مواجه با مسئله طراحی و توانمندی قدرت تحلیل وی از مسئولیت های آموزش معماری است. توجه به دانش از دریچه اندیشه طراحی، ارتباط مؤثر دانش و طراحی را فراهم می نماید. آموزشی با هدف پرورش دانشجویانی صاحب اندیشه، مطرح است. آموزش در شکلگیری شخصیت معمار نقش بسزایی دارد و با توجه به تغییرات روزافزون درحوزه های مختلف، از قبیل تکنولوژی و روشهای ساخت و همچنین اهمیت به روز بودن، آموزش معماری را نمیتوان یک کار ساده دانست. در آموزش فعلی زمانی برای آموزش مباحث فنی و ساختمانی تاریخ و سبکهای معماری، پیش بینی شده اما کاربردی نبوده یا عدم آموزش صحیح این حوزه ها کاملا مشهود است و تمایل اکثریت دانش آموختگان برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، دانشجو به جای حضور در فضا و کسب صحیح بینش، به فکر کنکور آموختن معماری است در مجموع به نظر میرسد دور کارشناسی معماری در انتقال محتوای آموزش نتوانسته موفقیت مناسبی را کسب کند در حال حاضر مشکل اساسی در جامعه معماری وجود افراد غیرحرفه ای در بازار کار است غیرحرفه ای نه صرفا به منزله نداشتن تحصیلات در این حوزه دانشگاهی بلکه روحیه حرفه ای معماری میباشد که این خود باعث از دست دادن انگیزه های و توانمندی های افراد متخصص کرده است در نتیجه شاهد افول معماری و بی کار بودن این افراد هستیم مشکل اساسی که گریبان گیر شده افزایش بی رویه تعداد ورودی دانشگاهها در تمامی مقاطع تحصیلی و نگاهی اقتصادی به سیستم دانشگاه که در پس آن کاهش کیفیت آموزشی را همراه دارد نیاز به

روز شدن تفکرات جدید در سیستم آموزشی را مبرم میسازد و لازم است روند آموزش معماری در دانشگاه ها مورد توجه قرار گیرند. بدون شک، تعمق بر شیوه آموزش و تحلیل آن، نه تنها باعث ارتقا کیفیت آموزش، بلکه اثر طولانی مدت و جامع تر آن بر هماهنگی آموزش و حرفه ای است. و لزوم توجه جدی به این موضوع و تغییرات مناسب در محتوا و سرفصل دوره الزامی است و اقداماتی نظیر افزایش طول مدت دوره تحصیلی، تغییر شیوه آموزش، کاربردی و عملی کردن به صورت واقعی در تخصصی کردن دانشگاهها، مفید واقع شود افزایش ارتباط دروس نظری و کارگاهی در هر نیمسال از طریق مدیریت محتوای آموزشی هر نیمسال و تعامل بیشتر اساتید دروس مختلف با یکدیگر در نظر گرفتن برنامه ای مشخص برای دوره های فعالیتهای حرفه ای و پژوهشی، حرفه محور بودن آموزش با افزایش محتوای به روز و کاربردی دروس حوزه های مختلف آموزشی، تشویق به فعالیت حرفه ای به عنوان تدریس در دانشگاه، و برنامه ریزی دقیق برای محتوای دوره کارآموزی و تبادلات دانشجویی و هویت محور بودن آموزش مهم به نظر میرسد.

ساخت وساز در کشور ما در حال گذار از دوران سخت بحران هویت است. لذا باید با تقویت آموزش و به کارگیری حداکثری توان در جهت تسریع گذر از این دوران و ورود به دوران خودیابی و شکوفایی فرهنگی و غلبه بر بحران هویت تلاش نمود شاید آنچه در معماری حال حاضر ایران دیده میشود، نوعی التقاطگرایی دونمایه و تقلیدی هجوآمیز با مبانی زیبا شناختی کیچ باشد که ساختار معماری ایران را دچار بیهویتی ساخته است. شایان ذکر است که تربیت افراد غیر حرفه ای به قرارگیری مدرسان غیر حرفه ای در جایگاه آموزش آینده ختم خواهد شد که باعث بروز روند رو به افول میشود که با توجه به اهمیت سیما شهری و معماری برای حوزه فرهنگی بسیار آسیب زننده خواهد بود.

۸-مراجع

- ۱-ساعدسمیعی، ا. (۱۳۸۷). سازمان نظام آموزشی دانشکده هنرهای زیبای تهران. معماری و فرهنگ، ۳۲، ۳۰-۳۶.
- ۲-اعتصام، ا. (۱۳۸۷). تحولی نوین در آموزش آکادمیک معماری. معماری و فرهنگ، ۳۴، ۵-۷.
- ۳-افخمی، ا. و عباسی، ن. (۱۴۰۰). بازشناختی بر تاثیر آموزه های معماری اروپا در تعیین رویکرد طراحی در معماری معاصر ایران. کنفرانس ملی معماری عمران شهرسازی و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب. تبریز.
- ۴-قبالی، س. و اعتصام، ا. (۱۳۸۷). هویت معماری معاصر ایران-بررسی تطبیقی نظریه ها و تجربه ها. رساله دکتری معماری- دانشگاه تهران.
- ۵-بانی مسعود، ا. (۱۳۸۸). معماری معاصر ایران. تهران: هنر معماری قرن.
- ۶-یاور، س. (۱۳۸۷). نگاهی به پیدایی معماری نو در ایران. تهران: نشر فضا.
- ۷-برنامه درسی دروس رشته معماری. (۱۳۹۵). تهران: وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
- ۸-ثبات ثانی، ن. (۱۳۹۲). مقدمه ای بر برخی عوامل تأثیرگذار بر معماری معاصر ایران در فاصله سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷. معماری و شهرسازی آرمان شهر، ۱۱، ۴۰-۶۹.
- ۹-جزیبیری، ع. و متین، م. (۱۳۹۹). واکاوی تاریخگرایی در کتب تألیفی دهه ۸۰ ه.ش. حوزه معماری معاصر ایران. هویت شهر، ۴۳، ۱۰۳-۱۲۲.
- ۱۰-حجت، ع. (۱۳۹۳). سنت و بدعت در آموزش معماری. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱-حسینی، س.، مفیدی شمیرانی، س. و مدی، ح. (۱۳۸۷). آموزش پایداری در ایران، موانع و گرایش ها. مجله فناوری و آموزش، ۲، ۱۲۷-۱۳۵.
- ۱۲-زرگری نژاد، غ. (۱۳۸۶). از مدرسه صنایع مستظرفه تا دانشکده هنرهای زیبا، مروری بر زمینه های شکل گیری و تأسیس دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران، هنرهای زیبا. هنر های زیبا، ۳۰، ۵-۱۲.
- ۱۳-سلطانزاده، ح. (۱۳۸۷). آغاز شکلگیری دانشکده هنرهای زیبا. معماری و فرهنگ، ۳۴، ۵-۷.
- ۱۴-شایان، ح. و معماردزفولی، س. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی رویکردهای معماری معاصر ایران بازشناسی نظریه در آثار سه نسل از معماران. نقش جهان، ۲، ۱-۱۰.
- ۱۵-شرفیانی، س. (۱۳۹۴). تبیین الگوی آموزش تا عمل در نظام آموزش معماری ایران. مطالعات محیطی هفت حصار، ۱۲، ۲۷-۳۶.
- ۱۶-حصارمی، ع. (۱۳۷۸). جایگاه معماری ایران در جهان امروز. آبادی، ۲۷-۲۸، ۱۳-۱۹.
- ۱۷-صدافتی، ع. و حجت، ع. (۱۳۹۸). محتوای آموزش معماری در ایران و میزان موفقیت دور کارشناسی در انتقال این محتوا. مطالعات معماری ایران، ۱۵، ۹۱-۱۱۲.
- ۱۸-طایفه، ا. و حجت، ع. (۱۳۹۴). واکاوی رابطه هویت و فرم در معماری معاصر تهران -تفسیر رابطه فرم و محتوا در بناهای شاخص تهران در دهه ۴۰ و ۵۰. تهران: رساله دکتری معماری دانشگاه تهران.
- ۱۹-طیب زاده، ک. و پروا، م. (۱۴۰۰). آموزش معماری در ایران و مشکلات پیش روی آن. معماری شناسی، ۱۸، ۱-۱۰.
- ۲۰-عسگری، ع.، نصیرسلامی، س.، سلطانزاده، ح. و هاشمنژدا شیرازی، ه. (۱۳۹۸). واکاوی اولویتهای مهارتی نظام آموزشی دوره کارشناسی معماری. معماری شهرسازی آرمانشهر، ۲۹، ۱۲۵-۱۴۰.
- ۲۱-غریب پور، ا. و میر محمد صادقی، ر. (۱۴۰۰). بررسی تطبیقی برنامه آموزشی دوره کارشناسی معماری در ایران با شش دانشگاه برتر جهان. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی، ۹۳، ۲۹-۶۰.
- ۲۲-فاضل، ع. و مستغنی، ع. (۱۴۰۰). نسبت فرآیند طراحی در معماری و علوم رایانه. اندیشنامه معمار، ۱، ۴۷-۶۰.
- ۲۳-قبادیان، و. (۱۳۹۵). سبک شناسی و مبانی نظری در معماری معاصر ایران. تهران: موسسه علم معمار روبال.
- ۲۴-قیومی بیدهندي، م. و سپهری، ی. (۱۳۹۵). تاریخ آموزش طراحی معماری در دانشگاه شهید بهشتی (دانشگاه ملی). صفة، ۷۴، ۲۵-۳۹.

- ۲۵- کاظم زاده رائف، م. و میردیریوند، ص. (۱۳۹۹). بازشناسی تحلیلی شیوه های آموزش معماری در مدرسه بوزار پاریس و مدرسه باهاوس آلمان. مطالعات نوین و برنامه ریزی شهری در جهان، ۲، ۸۲-۹۳.
- ۲۶- کیان ارثی، م. مظفر، ف. و خسروی، و. (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی سه نسل آموزش دانشگاهی معماری از سه منظر روند، دانش و اندیشه طراحی. هویت شهر، ۳۷، ۷۲-۵۹.
- ۲۷- گلچین، م. و توفیق، ا. و خورسندی، ز. (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان روشن فکران ایرانی درباره علوم جدید (از تأسیس دارالفنون تا تأسیس دانشگاه تهران). مسائل اجتماعی ایران، ۱، ۷۶-۱۰۶.
- ۲۸- لاوسون، ب. (۱۳۹۲). طراحان چگونه میاندیشند، ابهام زدایی از فرایند طراحی ترجمه حمید ندیمی. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۹- لعل بخش، ع. قبادیان، و. و عزیزی، ش. (۱۳۹۹). ارائه مدلی برای آموزش مشارکتی در طراحی معاری در دانشکده های ایران. رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۴۲، ۳۳۸-۳۱۷.
- ۳۰- محبوبی اردکانی، ح. (۱۳۵۰). تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات آموزش عالی. تهران: دانشگاه تهران.
- ۳۱- محمودی نژاد، ه. و پورجعفر، م. (۱۳۸۵). جستاری بر تقسیم بندی معماری معاصر ایران. آبادی، ۵۲، ۲۴-۳۳.
- ۳۲- مختاری طالقانی، ا. (۱۳۹۰). میراث معماری مدرن ایران. تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- ۳۳- مسعود، م. و لید مغربی، ش. و حسینی یزدی، س. (۱۳۹۲). نقش تمثیل در روند طراحی معماری. صفا، ۵۳، ۳۴-۴۲.
- ۳۴- میرمیران، س. (۱۳۸۵). رویکردی جدید در معماری معاصر ایران. معماری و شهرسازی، ۸۴، ۱۲-۱۸.
- ۳۵- تقی زاده، م. (۱۳۸۷). مروری بر آموزش های معماری و شهرسازی ایران. مجله آموزش مهندسی معماری، ۴، ۹۹-۱۱۹.
- 36-Perotzen, J. P., & Harris, D. J. (2010). The universe of design: Horst rittels theories of design and planinig. LONDON: Routledge.
- 37-soares, l., & pompo, f. (2010). Interpretation as a Design Method. conferance proceedings design reserch spciety. monteral.